

نقدی بر اجرای برائت عقلی در موارد خلاف امتنان

محمدعلی خادمی کوشا^۱

چکیده

با توجه به پذیرش امتنانی بودن اصل برائت توسط مشهور فقیهان بعد از شیخ انصاری، از اجرای برائت در موارد خلاف امتنان جلوگیری کرده‌اند و به برائت عقلی رجوع نکرده‌اند. این رفتار فقیهان زمینه اشکالی شده است که اگر ادله شرعی برائت به خاطر امتنانی بودن جاری نمی‌شوند باید طبق مبنای مورد قبول فقیهان به برائت عقلی روی آورد، نه اینکه به طور کلی از حکم به برائت امتناع کرد. در جستجوهای که در کتاب‌های اصولی و فقهی داشتم هیچ‌کس را نیافتم که وجه رفتار فقیهان در رجوع نکردن به برائت عقلی را تبیین کرده باشد، به گونه‌ای که پاسخ اشکال مذکور داده شده باشد؛ در حالی که ضرورت آن به جهت تأثیر در استنباط فقهی و تعیین تکلیف مکلف، روشن است. مقاله حاضر، امتنانی بودن اصل برائت را بر مبنای مورد قبول مشهور فقیهان بعد از شیخ انصاری مطالعه کرده و وجه رفتار مذکور فقیهان را بیان کرده است، به گونه‌ای که بتوان اشکالات و شبهات موجود یا احتمالی را پاسخ داد. نوآوری این مقاله تبیین منع از حکم به برائت در موارد خلاف امتنان با وجود پذیرش برائت عقلی و نقد اعتراض بر عدم رجوع به برائت عقلی است.

واژگان کلیدی: برائت شرعی، حکم امتنانی، برائت عقلی، امتنانی بودن برائت.

۱. استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم، هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی،

khademi.50@gmail.com

مقدمه

استفاده از مقام امتنانی سخن، در فهم معنای برخی آیات و روایات، بیشتر به‌عنوان قرینه‌ای برای تعمیم حکم و کشف توسعه در دامنه موضوع حکم در کتب فقهی شیعه در بین قدماء، (علم الهدی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۰۰؛ حلبی، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۲؛ حلی علامه، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۲۸۶، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۲۲۳) و متأخرین، (سیوری، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۵۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۱۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۲ ق، ج ۱، ص ۲۴۸؛ عاملی سید محمد، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۱۱۱؛ سبزواری، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۹۷؛ خوانساری، ۱۳۱۱ ق، ص ۲۶۰؛ کاظمی فاضل، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۸۷؛ خواجه‌نوی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۳۹۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۱۷۵؛ وحید بهبهانی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۴۶؛ قمی، میرزا، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۳۰۶؛ طباطبائی، سید علی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ تستری، (بی‌تا)، ص ۳۳؛ نراقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۰۸؛ کاشف الغطاء، علی، ۱۳۸۱ ق، ج ۱، ص ۲۵۲؛ نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۶۸، ج ۵، ص ۱۲۱) و فقیهان اهل سنت، (نووی، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۹۶؛ شربینی، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۱۷) و اهل تفسیر از شیعه و سنی. (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۳۵۵؛ و از منابع اهل سنت: (نسفی، (بی‌تا)، ج ۱، ص ۲۷۶) و کتب شرح حدیث، (عاملی شیخ بهاء، ۱۴۲۴ ق، ص ۳۳؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۳۰) و اصول فقه، (تونلی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۱۲؛ طباطبائی مجاهد، ۱۲۹۶ ق، ص ۱۹۴؛ قمی، میرزا، ۱۴۳۰ ق، ص ۳۲۴؛ اصفهانی، محمدتقی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۲۴۳؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۷۳؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۸۲۸) پیشینه‌ای دیرینه دارد. اما از زمان شیخ انصاری علاوه بر استفاده مذکور برای تضییق و محدودسازی حکم در مورد اصل برائت و قاعده نفی ضرر و حرج و به‌طور کلی احکام امتنانی مورد استفاده قرار گرفت. (خادمی کوشا، محمد علی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۱ تا ۴۴)

احکام امتنانی، عبارت‌اند از احکامی که در آنها لطف و عنایت ویژه‌ای نسبت به مکلفان صورت‌گرفته و آسایش و راحتی مکلفان مورد ملاحظه بوده است. (خادمی کوشا، محمد علی، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۰۷ تا ۱۳۱) اهمیت بررسی امتنانی بودن احکام از این نظر است که موجب

رعایت شروط و محدودیت‌هایی در اجرای احکام است. از جمله آنها شروط اجرای برائت از جهت امتنانی بودن است که عبارت است از موافقت با امتنان و مخالف نبودن با امتنان. تطبیقات هر کدام از این دو شرط از نظر فقیهان در دو مقاله مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. (ر.ک: خادمی کوشا، محمدعلی، ۱۳۹۷ ش، ج ۱، ص ۴۹ - ۲۹؛ ج ۲، ص ۶ - ۲۷)

نگارنده، پس از بررسی احکام امتنانی و آثار و شروط اجرای آنها طی چهارمقاله مورد اشاره فوق با مباحث مهم و تأثیرگذاری در استنباط‌های فقهی مواجه شد از جمله، اینکه با وجود اینکه مخالفت با امتنان به‌عنوان مانعی در اجرای برائت شناخته شده است، برخی از اصولیان با توجه به برائت عقلی و ادله غیر امتنانی برائت این مانع را ناکارآمد دانسته و ملاحظاتی داشته‌اند که در این مقاله مورد بحث و بررسی است.

اصل برائت به‌عنوان یکی از احکام امتنانی از جهت آثار امتنانی بودن آن اولین بار توسط شیخ انصاری، (انصاری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۳۵) مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از او توسط شاگردان او تطبیقات و تفصیلاتی بیان شد. (خراسانی آخوند، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۶۹؛ آشتیانی، ۱۴۲۹ ق، ج ۴، ص ۲۶۱) و در پی ایشان شهرت یافت. (تبریزی موسوی، ۱۳۶۹ ق، ص ۲۶۴؛ خویی، ۱۳۵۲ ش، ج ۱، ص ۱۱۷، ج ۲، ص ۱۷۶؛ کاظمی خراسانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۲۲؛ طباطبائی، ۱۳۷۱ ق، ص ۵۱؛ بروجردی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۲۱۲؛ حکیم، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۳۸۷) حتی محقق نائینی و محقق عراقی (آقاضیاء) تأثیر امتنانی بودن حدیث رفع را فراتر از نظر شیخ انصاری دانسته‌اند و فقط در مواردی که مخالف امتنان نبوده و از طرفی هم موافق امتنان است جاری دانسته‌اند. (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۲۳؛ بروجردی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۲۱۳) از طرف دیگر، دلیل عقلی قبح عقاب بلا بیان برای اثبات برائت از زمان وحید بهبهانی، مورد پذیرش بیشتر اصولیان بود و این زمینه‌ساز دو اشکال در امتنانی دانستن برائت و اجرای آن در موارد غیر امتنانی بودن رفع تکلیف شد.

اول: اینکه طبق برائت عقلی به دلیل قبح عقاب بلا بیان، نمی‌توان تکلیف بیان نشده‌ای بر مکلف قرار داد و با این فرض، دیگر تکلیفی نیست تا رفع آن به‌عنوان امتنانی از سوی شارع مقدس باشد. پس چگونه می‌توان اصل برائت را امتنانی دانست؟

دوم: اینکه فقیهان با توجه به امتنانی بودن براءت در موارد خلاف امتنان از اجرای براءت جلوگیری کرده‌اند و به براءت عقلی رجوع نکرده‌اند. این رفتار فقیهان زمینه اشکالی شده است که شهید صدر ذکر کرده است (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۵، ص ۴۳۴؛ حسینی حائری، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۴۹۷) به این مضمون که اگر ادله شرعی براءت به خاطر امتنانی بودن جاری نمی‌شوند باید طبق مبنای مورد قبول فقیهان به براءت عقلی روی آورد نه اینکه به طور کلی از حکم به براءت امتناع کرد؛ بنابراین، باید پرسید که چرا فقیهان به براءت عقلی رجوع نکرده‌اند؟ وجه امتنانی دانستن اصل براءت با وجود قبول براءت عقلی در برخی کتب اصولی مورد اشاره بوده است؛ اما رابطه دلیل عقلی براءت با ادله نقلی امتنانی آن و اجرا نکردن براءت در مواردی که برخلاف امتنان است و رجوع نکردن به براءت عقلی با وجود این که به تصریح برخی امتنانی نیست، اصلاً تبیین و بررسی نشده است و ما در جستجوهای که در کتاب‌های اصولی و فقهی داشتیم ندیدیم کسی وجه رفتار فقیهان در رجوع نکردن به براءت عقلی را بیان نموده باشد به گونه‌ای که پاسخ اشکال مذکور داده شده باشد در حالی که ضرورت آن به جهت تأثیر آن در استنباط فقهی و تعیین تکلیف مکلف روشن است.

بنابراین، تحقیقی لازم است تا بتواند رفتار مذکور را بر مبنای مورد قبول مشهور فقیهان بعد از شیخ انصاری مطالعه کرده و وجه آن را بیان کند تا بتوان اشکالات و شبهات موجود یا احتمالی را پاسخ داد و بدون نتیجه‌گیری در موضوع مذکور نمی‌توان وظیفه مکلف را در موارد خلاف امتنان بودن براءت تعیین کرد.

نوآوری این مقاله، تبیین منع از حکم به براءت در موارد خلاف امتنان با وجود پذیرش براءت عقلی و نقد سخن شهید صدر در اعتراض بر عدم رجوع به براءت عقلی است. برای این منظور لازم است ابتدا به طور مقدمه وجه امتنانی بودن براءت با وجود حکم عقلی به براءت تبیین شود و سپس وجه رجوع به براءت عقلی در موارد خلاف امتنان (نظر رقیب فقیهان) تبیین شود و بعد از آن وجه عدم رجوع به براءت عقلی در موارد خلاف امتنان بیان شود.

۱. امتنانی بودن براءت با وجود براءت عقلی

با توجه به این که تحقق امتنان الهی به معنای آسان‌گیری در تکلیف بر مکلف در جایی است که امکان تکلیف غیر امتنانی وجود داشته باشد اگر شارع مقدس بخواهد حکم امتنانی بدهد ابتدا باید دو مقدمه اثبات شود: یکی امکان جعل احتیاط از سوی شارع در موارد شک و تردید در تکلیف شرعی و دیگری امتنانی بودن ترک جعل احتیاط. توضیح این دو مقدمه در ادامه می‌آید.

الف) امکان عقلی جعل احتیاط در موارد مشکوک

مواردی که حکم شرعی آنها معلوم نیست در یک تقسیم کلی دو دسته‌اند: گاهی عمل به احتیاط در آن موارد امکان ندارد مثل مورد علم اجمالی به این که تکلیف شرعی یا حرمت است یا وجوب (دوران بین محذورین) که در علم اصول این موارد نمی‌تواند مجرای اصل براءت باشد؛ زیرا علم اجمالی خودش بیان است و از طرفی عمل به احتیاط هم ممکن نیست؛ لذا به‌عنوان مجرای اصل تخییر دانسته شده است. (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۲) گاهی عمل به احتیاط امکان دارد و در این موارد اگر شک در تکلیف است به‌عنوان مجرای اصل براءت قرار داده شده است؛ بنابراین در موارد اجرای اصل براءت، مفروض این است که از نظر عقلی عمل به احتیاط امکان دارد.

ب) امتنانی بودن عدم جعل احتیاط

عمل به احتیاط در مقایسه با ترک احتیاط و اجرای براءت از تکلیف، همواره موجب سختی و مشقت نسبی است چراکه در همه مواردی که حکم شرعی معلوم نیست، برای تحصیل عمل به واقع باید همه راه‌های احتمالی رعایت شود تا علم به درک واقع حاصل شود.

با فرض اینکه جعل احتیاط از نظر عقلی امکان دارد و عمل به احتیاط موجب سختی و مشقت نسبی است، صرف ترک الزام به احتیاط از سوی شارع مقدس نمونه‌ای از امتنان الهی است چون می‌توانست با جعل احتیاط موجبات سختی و مشقت بر مکلف را فراهم آورد. با این توضیح معلوم می‌شود همچنان که برخی اصولیان هم تصریح کرده‌اند، (صدر، ۱۴۲۵ ق، ج ۶، ص ۸۴) امتنانی بودن براءت با حکم عقلی به براءت منافاتی ندارد؛ زیرا حکم عقلی به براءت بعد از این امتنان شرعی است، یعنی عقل بعد از عدم بیان وجوب احتیاط از سوی

شارع مقدس، حکم به برائت می‌دهد. بنابراین برائت عقلی، متأخر از ترک جعل احتیاط و متوقف بر آن است.

نکته مهمی که از بیان فوق معلوم می‌شود، این است که صرف عدم الزام به احتیاط به‌عنوان امتنان است و دلیل بیان‌کننده آن، دلیل امتنانی است؛ چون شارع با وجود اینکه می‌توانست با بیانی احتیاط را واجب کند؛ ولی به‌جای آن با بیان عدم جعل احتیاط خبر از امتنان الهی داده است. در نتیجه با نظر به مضمون آن، مصداق امتنان است اگرچه در لسان دلیل هیچ شواهد لفظی بر امتنان الهی وجود نداشته باشد. با این بیان برخلاف نظر برخی فقیهان همه ادله نقلی برائت امتنانی‌اند و از این جهت فرقی بین حدیث رفع و حدیث حجب و... نیست.

۲. وجه رجوع به برائت عقلی در موارد خلاف امتنان بودن برائت

دانستیم که برخی از اصولیان مثل شهید صدر در مواردی که اجرای برائت برخلاف امتنان است و ادله نقلی برائت به جهت امتنانی بودن شامل این موارد نمی‌شود، گفته‌اند باید به برائت عقلی مراجعه شود. وجه این سخن با دو مقدمه قابل بیان است:

الف) وجود احتمال عقاب و عدم بیان برای تکلیف شرعی

جریان دلیل قبح عقاب بلا بیان متوقف بر وجود احتمال عقاب و عدم بیان است. در نتیجه برائت عقلی فقط در احتمال تکالیف الزامی (واجب و حرام) و فقدان بیان برای اثبات تکلیف مطرح می‌شود. به همین دلیل بعد از فحوص لازم و احراز عدم وجود بیان برای اثبات تکلیف، حکم عقلی به برائت جاری می‌شود.

ب) مانع نبودن مخالفت با امتنان از برائت عقلی

حکم عقلی (قبح عقاب) صرفاً متوقف بر حصول موضوع خود یعنی عدم بیان است و حکم عقلی بعد از حصول موضوع آن، مقید به امتنان نیست و ادله نقلی امتنانی مثل حدیث رفع نمی‌توانند مانع اجرای برائت در موارد خلاف امتنان باشند؛ زیرا مانع بودن آنها مبتنی بر وجود مفهوم مخالف برای این ادله است درحالی‌که چنین مفهومی ندارند. (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق،

ج ۵، ص ۴۳۴؛ حسینی حائری، ۱۴۰۸ ق، ج ۴، ص ۴۹۷)

نتیجه دو مقدمه فوق این است که اگر دلیل شرعی براءت به دلیل اینکه امتنانی بوده و در مواردی که اجرای براءت بر خلاف امتنان باشد، جاری نشود و جهی برای منع از حکم عقلی به براءت وجود ندارد و در نتیجه باید به حکم عقلی رجوع کرد. همان‌طور که قبلاً گفتیم نظر فوق بدون تلاش در کشف وجه نظر فقیهان انجام شده است. در ادامه با بیان و جوهری برای عدم رجوع به براءت عقلی می‌توان موارد قابل نقد در نظر فوق را شناسایی کرد.

۳. وجه عدم رجوع به براءت عقلی مخالف امتنان

چنان که گفتیم، ظاهر سخن فقیهانی که به جهت امتنانی بودن براءت از اجرای براءت در موارد مخالف امتنان، جلوگیری کرده‌اند این است که با مراجعه به براءت عقلی مخالف‌اند. برخی این رفتار فقیهان را نقد کردند که وجه آن در مبحث سوم بیان شد. در ادامه، و جوهری که به نظر می‌رسد می‌تواند دلیل رفتار مذکور فقیهان باشد بیان می‌کنیم تا فضای قضاوت در مورد رفتار مذکور و نقد آن باز شود:

الف) دلالت منطوق دلیل امتنانی بر منع از حکم مخالف امتنان حتی با دلیل دیگر

شواهد امتنانی موجود در ادله براءت بیانگر منع از رجوع به هر دلیل دیگر غیر امتنانی است و صرفاً سکوت در موارد خلاف امتنان نیست؛ زیرا دلیل امتنانی بیانگر اراده تشریحی شارع مقدس بر تعلق امتنان نسبت به بندگانش است و این دلیل به جهت امتنانی بودن غیر قابل تخصیص است و به گفته شیخ انصاری وقوع سخن در مقام امتنان برای اثبات تقدم آن بر عمومات دیگر کفایت می‌کند. (انصاری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۴۶۲) لذا به مثابه یک بیان حاکم است که بر همه ادله غیر امتنانی (نقلی یا عقلی) مقدم است.

امکان دارد کسی بگوید، عدم شمول دلیل امتنانی نسبت به موارد خلاف امتنان از باب قصور دلیل و عدم اطلاق آن است نه به جهت وجود دلیلی بر رعایت امتنان و نیز حکم به رعایت امتنان فقط در خصوص حکم مذکور در متن دلیل امتنانی (رفع شرعی) است و شامل حکم برآمده از دلیل دیگر خصوصاً دلیل عقلی نمی‌شود؛ ولی در ادامه طی چند مطلب، چگونگی دلالت ادله امتنانی بر لزوم رعایت امتنان تبیین می‌شود.

مطلب اول: تعدد مدلول ادله امتنانی برائت و تقیید ادله غیر امتنانی

حدیث رفع، به‌عنوان دلیل نقلی برائت دارای دو مدلول است: ۱- مدلول مطابقی رفع حکم که بیان می‌کند تکلیف شرعی از مکلف غیر عالم برداشته شده است. ۲- مدلول مقام امتنان که بیانگر اراده شارع مقدس بر رعایت امتنان در رفع تکلیف از مکلف غیر عالم است.

در نظر مشهور اصولیان بعد از شیخ انصاری میزان و محدوده مدلول مطابقی رفع حکم، وابسته به حصول مدلول امتنانی است و لذا اگر در جایی حکم به برائت موجب خلاف امتنان باشد، نمی‌توان حکم به برائت داد و ظاهرش این است فرقی بین برائت عقلی و نقلی نیست و شاید به‌خاطر این است که مفاد دلیل امتنانی برائت این است که در تشریح حکم برای مکلف غیر عالم، رعایت امتنان شده است و این به‌مثابه بیان یک قانون در تشریح الهی بر مکلف غیر عالم است به همین دلیل نه‌تنها مدلول مطابقی در همان دلیل، مقید می‌شود؛ بلکه به گفته شیخ انصاری، امتنانی بودن دلیل موجب تقدیم آن بر عمومات دیگر است. (انصاری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۴۶۲) در نتیجه دلیل نقلی غیر امتنانی هم مقید به امتنان می‌شود و با وجود این بیان برای رعایت امتنان، موضوعی برای حکم عقلی مخالف با امتنان باقی نمی‌ماند چون موضوع آن، عدم بیان است.

برخی اصولیان مثل محقق خوئی تصریح کرده است، اگر گوینده در مقام امتنان باشد در جایی که احتمال تخییری بودن و خوب داده شود برائت از وجوب در مورد مشکوک چه برائت عقلی و چه نقلی جاری نمی‌شود؛ زیرا مقتضای اجرای برائت این است که یک طرف به‌صورت معین واجب شود و حق انتخاب برای مکلف وجود نداشته باشد و این سخت‌گیری و تنگ‌گیری بر مکلف است و خلاف امتنان است. (صافی اصفهانی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۴۵۸) این سخن محقق خوئی بیانگر آن است که نه‌تنها در همه ادله نقلی برائت بلکه در جریان برائت عقلی نیز رعایت امتنان لازم است؛ یعنی در موارد خلاف امتنان، برائت عقلی هم جاری نمی‌شود، گر چه برائت عقلی در مورد واجب تخییری جاری نمی‌شود چون در واجب تخییری، ترک یک طرف، موجب عقاب نیست تا دلیل قبح عقاب جاری شود اما سخن ایشان متمرکز بر خلاف امتنان بودن است.

مطلب دوم: وجه تقدم مدلول امتنانی بر مدلول مطابقی

امتناع فقیهان از اجرای برائت در موارد خلاف امتنان، بیانگر تقدیم مدلول امتنانی بر مدلول مطابقی رفع تکلیف در همه ادله برائت است و لذا از اجرای برائت مخالف امتنان جلوگیری می‌کنند. برای اثبات این نظر، وجوهی قابل بیان است که در ادامه توضیح داده می‌شود:

۱- امتنان الهی علت حکم به برائت است و علت هر حکمی موجب تعمیم یا تخصیص آن است. برخی از فقها مثل امام خمینی و برخی فقیهان معاصر، (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۵۲۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۸۲؛ سیستانی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۳۲) از سخن صاحبان نظریه تقیید احکام امتنانی این صورت را برداشت کرده‌اند و البته بر اثبات علت بودن امتنان اشکال نموده‌اند.

۲- امتنان الهی حکمت حکم است نه علت، و حکمت اگر چه موجب تقیید حکم نیست؛ اما وقتی به عنوان یک قرینه عقلی یا عقلایی در کلام گوینده باشد موجب ظهور کلام در موارد مقتضای حکمت است. (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲، ص ۵۲) در نتیجه باید حکم به گونه‌ای لحاظ شود که متناسب با امتنان قرار گیرد.

۳- فارغ از اثبات علت یا حکمت بودن امتنان، مقام امتنان در نگاه متعارف، به عنوان قرینه‌ای مقامی در سخن گوینده است که موجب تأثیر در مقدار دلالت دلیل و تقیید آن به موارد امتنان است. چنان که محقق عراقی، در مورد حدیث رفع، اقل مراتب تأثیر مقام امتنان را شک در شمول حدیث رفع دانسته است که در این فرض، باید اخذ به قدر متیقن نمود و قدر متیقن، رفع آثاری است که وجودشان خلاف امتنان باشد. (بروجردی، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۲۱۲)

در تکمیل نظر فوق، باید گفت از نظر عرفی قرینه مقامی امتنان، فراتر از قیود فاقد مفهوم و قرینه مقامی غیر امتنانی است؛ زیرا قرینه مقامی به همراه ویژگی امتنان، منشأ چند اثر در سخن گوینده است، اولاً: موجب عمومی بودن حکم بر محور امتنان است به این معنا که حکم امتنانی به جهت امتنانی بودن دارای شمول است به همین دلیل، فقیهان حکمی را که در مقام امتنان باشد حکم عام می‌دانند. (شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۵؛ حائری اصفهانی،

۱۴۰۴ ق، ص ۱۶۰؛ اصفهانی نجفی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۲۴۳؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۸۲) ثانیاً: به سبب قرینه بودن، موجب تقیید حکم مذکور در دلیل به رعایت امتنان است و طی آن، کلام متکلم نسبت به موارد خلاف امتنان شامل نمی‌شود. ثالثاً: موجب غیر قابل تخصیص بودن کلام است و به گفته شیخ انصاری مقام امتنان موجب تقدیم مفاد امتنانی بر همه عمومات دیگر است؛ (انصاری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۴۶۲) بنابراین با هیچ دلیل دیگری قابل تخصیص نیست یعنی نمی‌توان گفت، مثلاً: رفع تکلیف شامل موارد خلاف امتنان نمی‌شود مگر اینکه دلیل غیر امتنانی دیگری وجود داشته باشد.

با توجه به اینکه در عبارت‌های صاحبان نظریه تقیید احکام امتنانی، سخنی از علیت امتنان و یا حکمت بودن آن مطرح نشده است توجیه کلام آنان به صورت‌های اول و دوم، بعید و غیرلازم است.

قرینه مقامی امتنان یک مفهوم آشنا در اصول فقه است که قبل از طرح نظریه امتنانی در مورد برخی احکام امتنانی مثل نفی حرج (اصفهانی نجفی، ۱۴۲۹ ق، ج ۲، ص ۷۴۹) مطرح بوده است. علاوه بر این در موارد دیگری مثل ورود سخن در مقام امتنان که موجب حمل کلام بر معنای غیر حقیقی در امر و نهی است. (اصفهانی نجفی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۶؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۶۳) و مانند دلالت ورود نکره در مقام امتنان بر عموم (عاملی شهید ثانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۶۵، حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۶۰؛ اصفهانی نجفی، ۱۴۲۹ ق، ج ۳، ص ۲۴۳؛ موسوی قزوینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۳۸۲) و تقدیم عمومی که در مقام امتنان است بر سایر عمومات مقدم (انصاری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲، ص ۴۶۲؛ سیادت، ۱۴۱۹ ق، ص ۶۹۸) مورد توجه در علم اصول است. علاوه بر این در کتب بلاغی و علوم قرآنی (سیوطی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۱۹؛ خادمی کوشا، ۱۴۳۳ ق، ج ۱، ص ۸۳) نیز مورد توجه بوده است بنابراین آنچه موجب تقیید ادله احکام امتنانی است، لزوماً اثبات علت یا حکمت بودن امتنان نیست، بلکه قرینه مقامیه به همراه ویژگی امتنان در سخن گوینده است که همانند موارد مذکور، در دلالت کلام، اثر می‌گذارد.

بر اساس مطالب فوق در مورد امتنانی بودن دلیل شرعی برائت باید گفت: مقام امتنانی سخن در ادله شرعی هرچند در برخی ادله باشد (مثل حدیث رفع) مقتضی رعایت امتنان به طور مطلق است، یعنی هرگونه رفع حکم برای مکلف غیر عالم باید سازگار با امتنان بر او باشد وگرنه مخالفت با امتنان حتی اگر به جهت دلیل غیر امتنانی باشد موجب تخصیص در دلیل امتنانی است درحالی که دلیل امتنانی غیر قابل تخصیص است. پس اگر مثلاً، با استفاده از دلیل عقلی در یک مورد خاصی حکم به رفع تکلیف دهیم که این حکم بیشتر موجب سختی و مشقت بر مکلف شود نمی‌توانیم آن را جاری کنیم؛ زیرا شارع با دلیل امتنانی اعلام کرده است که رعایت امتنان در رفع تکلیف، مورد نظر او است و با این بیان شرعی موضوعی برای حکم عقلی مخالف با امتنان باقی نمی‌ماند.

ب) وجود مفهوم مخالف در ادله نقلی برائت از نظر برخی اصولیان

برخی از اصولیان مثل محقق خوئی در کتاب مصباح‌الاصول معتقدند، اطلاق مقامی و سکوت متکلم در صورتی که متکلم در مقام بیان باشد موجب مفهوم است و عدم بیان در چنین مواردی بیان عدم، محسوب می‌شود به همین دلیل وجود مفهوم لقب را در موارد اطلاق مقامی پذیرفته است، مثل اینکه اگر متکلم در مقام بیان تکلیف بگوید: «زید و عمرو و بکر را اکرام کن» این سخن مفهوم دارد و به معنای این است که: غیر آنها را اکرام نکن. (واعظ حسینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۱۵۷) این مطلب در مورد هر گونه قیدی از جمله قید امتنان در ادله امتنانی برائت نیز جاری است به این بیان که وقتی شارع مقدس در مقام بیان و تعیین وظیفه برای افراد غیر عالم، سخن خود (رفع تکلیف) را مقید به امتنان کرده است در متفاهم عرفی به معنای سکوت و عدم حکم نیست؛ بلکه حکم به عدم رفع تکلیف در این موارد است.

مفهوم داشتن لقب و هر قیدی در مقام بیان اگر چه در کتب اصولی در باب مفهوم مورد توجه مشهور اصولیان نیست؛ ولی از آنجاکه بیان فوق مورد قبول محقق خوئی است اشکال شهید صدر بر ایشان (شاهرودی، بحوث فی علم الأصول، ج ۵، ص ۴۳۴؛ حائری، مباحث الأصول، ج ۴، ص ۴۹۷) اشکال درستی نیست چراکه مبتنی بر نبودن مفهوم برای قید امتنان در مقام بیان است درحالی که مبنای محقق خوئی بودن مفهوم مذکور است.

ج) قاعده عدم البیان بیان العدم

قاعده کلی «عدم البیان بیان العدم» در مواردی که متکلم در مقام بیان باشد قاعده‌ای مبتنی بر ظهور و فهم عرفی است و به همین دلیل مورد قبول بسیاری از فقیهان است. (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۲۱؛ شهیدی، ۱۳۷۵ ق، ج ۲، ص ۲۶۶؛ بیارجمندی، (بی تا)، ج ۳، ص ۲۴۶؛ حائری یزدی، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ مروج جزائری، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مجلسی دوم، ۱۴۱۰ ق، ج ۸۱، ص ۱۰۲؛ رشتی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۴۳) براین اساس در مورد ادله امتنانی برائت باید گفت: وقتی گوینده در مقام بیان بوده و به عمد مورد خلاف امتنان را بیان نکرده است و بلکه با آوردن قرائنی از شمول کلام خود بر موارد خلاف امتنان جلوگیری کرده است، همین بیان نکردن، بیان روشنی بر اراده عدم شمول حکم مذکور نسبت به موارد خلاف امتنان است و این مورد از تطبیقات قاعده عدم البیان بیان العدم است. در نتیجه جایی برای برائت عقلی مبتنی بر عدم بیان نخواهد بود.

شاید گفته شود، با وجود اطلاق ادله نقلی مثل حدیث حجب که برخی مثل شهید صدر آن را غیر امتنانی خوانده‌اند، بیان نقلی برای موارد خلاف امتنان حاصل بوده و دیگر نمی‌توان قاعده عدم البیان را جاری کرد. اما این سخن قابل قبول نیست؛ زیرا اولاً: در جای خود تبیین شده است که همه ادله نقلی برائت از نوع امتنانی‌اند. (خادمی کوشا، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۰۷ تا ۱۳۱) و در این مقاله نیز به اجمال بیان شد. ثانیاً: این قاعده بیانگر این است که وقتی گوینده در مقام بیان است سکوت و عدم بیان او در آن کلام در حکم بیان عدم است و این به منزله مفهوم مخالف است، در نتیجه با منطوق کلام دیگر گوینده تعارض می‌کند و با توجه به امتنانی بودن آن بر دلیل دیگر مقدم می‌شود (حتی اگر به طور کلی مفهوم مخالف را نسبت به منطوق، ضعیف بدانیم در اینجا به قرینه امتنانی بودن، قوی خواهد بود) و لذا نتیجه جمع بین بیان امتنانی و غیر امتنانی این است که دلیل غیر امتنانی بر دلیل امتنانی حمل شود؛ لذا دلیل امتنانی موجب تقیید دلیل غیر امتنانی می‌شود. ثالثاً: عمل به دلیل نقلی غیر امتنانی خلاف فرض امتنانی بودن برائت شرعی است و موجب لغو بودن اظهار امتنان در دلیل امتنانی است که در ادامه توضیح آن خواهد آمد.

د) آبی از تخصیص بودن کلام امتنانی

حدیث رفع با توجه به اینکه از نوع کلام امتنانی و به‌عنوان یک دلیل عام امتنانی برای براءت مطرح شده است، معنایش این است که تکلیف نسبت به همه امت پیامبر از باب امتنان رفع شده است؛ یعنی رفع تکلیف در مورد همه امت پیامبر امتنانی است پس اگر با دلیل نقلی دیگر یا دلیل عقلی این دلیل را تخصیص بزنیم و بگوییم مگر در برخی موارد که رفع تکلیف به‌صورت غیر امتنانی است چنین تخصیصی بر خلاف امتنان است به همین دلیل عموم امتنانی قابل تخصیص نیست. این قاعده (آبی بودن عموم امتنانی از تخصیص) توسط برخی از مفسران و اصولیان (طباطبایی مجاهد، ۱۲۹۶ ق، ص ۵۰۶؛ کلانتری، ۱۳۸۳ ش، ج ۲؛ ص ۲۳۳) تصریح شده است. نتیجه، اینکه رفع تکلیف در مورد همه امت اسلامی به جهت امتنانی بودن آن نمی‌تواند حتی با دلیل دیگر شامل موارد غیر امتنانی باشد.

ه) لزوم لغو بودن امتنان در صورت رجوع به ادله غیر امتنانی

ثمره امتنانی بودن ادله براءت این است که حکم مستفاد از آن ادله به‌صورت امتنانی باشد تا در موارد مخالف امتنان جاری نشود و اگر قرار باشد ادله امتنانی براءت به‌عنوان بیانی بر حکم شرعی در موارد خلاف امتنان نباشد و بتوان در این موارد به ادله غیر امتنانی رجوع کرد لازمه‌اش لغو بودن امتنان است و اساساً امتنانی بودن آن بی‌وجه و غیرعقلایی خواهد بود؛ لذا بر اساس قاعده صیانت کلام حکیم از لغو بودن که بین فقیهان مشهور است. (حلی، علامه، ۱۳۸۸ ق، ص ۴۸۳؛ عمیدی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۴۹؛ صیمری، ۱۴۲۰ ق، ج ۲، ص ۱۴۴؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۵؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۴۹؛ بحرالعلوم بروجردی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۹۴؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۹، ص ۳۹۷) حفظ از لغو بودن کلام امتنانی قرینه‌ای بر بیان بودن ادله امتنانی نسبت به عدم جریان براءت در موارد خلاف امتنان است و به همین دلیل بر ادله غیر امتنانی مقدم است و با وجود این بیان در موارد خلاف امتنان نمی‌توان به دلیل عقلی براءت که مقید به عدم بیان است استناد کرد.

شاید گفته شود، رجوع به براءت عقلی فقط در موارد احتمال عقاب است به همین دلیل در همه موارد اجرای براءت نمی‌توان به براءت عقلی رجوع کرد تا گفته شود امتنانی بودن براءت لغو می‌شود و همواره مواردی وجود دارد که اجرای براءت در آنها امتنانی باشد، مثل موارد

شک در وجوب تخییری که اجرای براءت از وجوب در یک طرف واجب، موجب ضیق و خلاف امتنان است و به جهت عدم احتمال عقاب در ترک آن، محل جریان براءت عقلی نیست. اما این سخن درست نیست؛ چون برخلاف ظهور دلیل امتنانی در تعمیم و غیر قابل تخصیص بودن حکم امتنانی است و عمومیت حکم از آثار امتنان است و شکستن عموم موجب لغو بودن و بی‌اثر شدن امتنان است و این یکی از عوامل مخالفت با تخصیص دلیل امتنانی می‌تواند باشد.

و) لزوم حفظ غرض شارع در امتنان بر مکلفان

شارع مقدس با آوردن دلیل لفظی خیر از رفع تکلیف در مقام امتنان الهی داده است فهم عقلایی از این دلیل لفظی این است که غرض شارع بر امتنان است اکنون اگر از هر راهی و لو عقلی حکمی بر خلاف امتنان ثابت شود قطعاً برخلاف غرض شارع در امتنان بر مکلف است در حالی که بعد از کشف غرض شارع مقدس با دلیل لفظی، مخالفت با آن به حکم عقلی قبیح است به همین دلیل مرحوم علامه تخصیص دلیل امتنانی را بر خلاف غرض شارع دانسته است. (حلی، علامه، ۱۴۱۲ ق، ج ۳، ص ۲۸۶) و لزوم حفظ غرض شارع قاعده‌ای است که در استنباطات فقهی پیوسته مورد استناد فقیهان است. (حلی، علامه، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۱۱۳؛ صیمری، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۱۴؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲، ص ۵۰۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۶۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۶۵؛ عاملی موسوی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۵۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۴۷۳؛ آل عصفور، ۱۴۰۵ ق، ج ۲۳، ص ۸۸؛ وحید بهبهانی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۱) در نتیجه حفظ غرض شارع به‌عنوان شاهی بر بیان بودن ادله امتنانی نسبت به موارد خلاف امتنان است و با وجود آن نمی‌توان به براءت عقلی که مبتنی بر عدم بیان است رجوع کرد.

۴. تبیین ورود دلیل نقلی امتنانی بر دلیل عقلی براءت در موارد خلاف امتنان

رابطه دلیل نقلی امتنانی در مقایسه با دلیل عقلی براءت نسبت به مواردی که اجرای براءت بر خلاف امتنان است از نوع ورود (رفع حقیقی موضوع دلیل عقلی با عنایت به دلیل نقلی براءت) است؛ زیرا دلیل نقلی براءت به جهت بیان حکم موارد خلاف امتنان به شرحی که گذشت در جایگاه بیان است و لذا موضوع دلیل عقلی را که عدم بیان است منتفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

با عنایت به مطالب بررسی شده در این نوشتار به نتایج زیر دست می‌یابیم:

۱. اگر چه امتنانی بودن اصل براءت در کنار قبول براءت عقلی، قابل تبیین و پذیرش است؛ اما قول به عدم جریان براءت در موارد خلاف امتنان موجب این اشکال است که ترک حکم به براءت در مواردی که مخالف امتنان است با پذیرش براءت عقلی سازگار نیست؛ زیرا براءت عقلی مقید به رعایت امتنان نیست و در موارد خلاف امتنان باید به آن رجوع شود و با رجوع به براءت عقلی، امتنانی دانستن اصل براءت نتیجه‌ای ندارد.
۲. اشکال مذکور مبتنی بر این است که دلیل امتنانی براءت فقط به‌جانب موافقت با امتنان نظر دارد و نسبت به‌جانب مخالفت با امتنان، بیانی ندارد به‌همین دلیل گمان شده است مواردی که در آنها اجرای براءت بر خلاف امتنان است فاقد بیان بوده و جای رجوع به دلیل عقلی است که مبتنی بر عدم بیان است.
۳. با تبیین تعدد دال و مدلول در دلیل امتنانی براءت و تبیین تقدم مدلول امتنانی بر مدلول مطابقی رفع حکم و بر هر دلیل غیر امتنانی، بیان بودن ادله امتنانی نسبت به همه موارد براءت اعم از موارد موافق و مخالف امتنان، روشن می‌شود و دلالت ادله نقلی امتنانی در قالب دلالت منطوقی سامان می‌گیرد و با وجود آن جایی برای اشکال مذکور باقی نمی‌ماند. مضافاً بر این که طبق نظر برخی طرف‌داران نظریه تمیید براءت به امتنان مثل محقق خوئی، با توجه به اینکه ذکر لقب را در مقام بیان موجب ثبوت مفهوم مخالف می‌دانند می‌توان وجود مفهوم مخالف برای ادله امتنانی را اثبات کرد.
۴. علاوه بر مدلول منطوقی مذکور، برخی از قواعد عقلایی و مورداعتماد فقیهان در استنباطات فقهی مثل «عدم البیان (فی مقام البیان) بیان» و «صیانت کلام حکیم از لغویت» و «آبی بودن از تخصیص در کلام امتنانی» و «لزوم حفظ غرض شارع»

بیانگر دلالت ادله امتنانی بر حکم موارد خلاف امتنان است که با وجود آن نمی‌توان به دلیل عقلی برائت رجوع کرد.

۵. با توجه به بیان بودن ادله نقلی نسبت به منع از برائت در موارد خلاف امتنان، موضوع برائت عقلی که عدم بیان است منتفی می‌شود و این به معنای ورود ادله نقلی امتنانی بر دلیل عقلی برائت در موارد خلاف امتنان است. نتیجه ورود مذکور این است که در موارد خلاف امتنان هیچ جایی برای وجود برائت عقلی وجود ندارد.

نتیجه تبیین دلالت ادله امتنانی و مرتبه آن این است که در موارد خلاف امتنان نمی‌توان به ادله نقلی فاقد شواهد لفظی امتنانی و دلیل عقلی برائت رجوع کرد و باید طبق ادله امتنانی از حکم به برائت در این موارد اجتناب کرد.

منابع

۱. اردبیلی احمد معروف به مقدس اردبیلی (۱۴۰۲ ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۵ ق). الرسائل التسع. قم: انتشارات زهیر، کنگره علامه آشتیانی.
۳. آشتیانی، محمدحسن بن جعفر (۱۴۲۹ ق). بحرالفوائد فی شرح الفرائد. طبع جدید، بیروت: چاپ اول، مؤسسة التاريخ العربی.
۴. اصفهانی نجفی، محمدتقی بن عبدالرحیم (۱۴۲۹ ق). هداية المسترشدين. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۵. امام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۱ ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. انصاری شیخ مرتضی بن محمدامین (۱۳۸۳ ش). مطرح الأنظار. چاپ دوم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۷. انصاری، شیخ مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۶ ق). فرائد الأصول. چاپ پنجم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
۸. بحر العلوم بروجردی، سید مهدی (۱۴۲۷ ق). مصابيح الأحكام. قم: منشورات میثم التمار.
۹. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. بروجردی، محمدتقی (۱۴۰۵ ق). نهاية الافکار. تقریرات بحث آقا ضیاء عراقی، قم: انتشارات جامعه مدرسين قم.
۱۱. بهجت، محمدتقی (۱۳۸۸ ش). مباحث الأصول. قم: بی نا.
۱۲. بیارجمندی خراسانی، یوسف آرام حائری (بی تا) مدارک العروة. نجف اشرف: مطبعة النعمان.
۱۳. تبریزی، غلامحسین (بی تا). أصول مهذبة (خلاصة الأصول). چاپ دوم، مشهد مقدس: چاپخانه طوس.
۱۴. تبریزی، موسوی (۱۳۶۹ ق). اوثق الوسائل. قم: کتبی نجفی.
۱۵. تستری کاظمینی، شیخ اسدالله (بی تا). مقابس الأنوار و نفائس الأسرار فی أحكام النبی المختار و عترته الأطهار. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.

۱۶. تقوی اشتهاوردی حسین (۱۴۱۸ ق). تنقیح الأصول. تقریرات درس امام خمینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. تونی، عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ ق). الوافیة فی اصول الفقه. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۸. حائری یزدی، مرتضی بن عبد الکریم (۱۴۲۶ ق). شرح عروة الوثقی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. حائری اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۴ ق). الفصول الغرویة فی الاصول الفقهیة. قم: داراحیاء العلوم الاسلامیة.
۲۰. حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۰۸ ق). مباحث الأصول. تقریرات درس شهید محمد باقر صدر، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۱. حکیم، محسن (۱۴۰۸ ق). حقائق الأصول. تعلیقة کفایة الأصول، چاپ پنجم، قم: کتابفروشی بصیرتی.
۲۲. حلبی ابن زهره ابو المکارم عزالدین حمزه بن علی حسینی (۱۴۱۷ ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۳. حلّی، حسین (۱۴۳۲ ق). أصول الفقه. قم: مکتبه الفقه و الاصول المختصه.
۲۴. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۳۸۸ ق). تذکرة الفقهاء (ط - القادیمة). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۵. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۲ ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۶. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۷. خواجوی مازندرانی، محمد اسماعیل بن الحسین (۱۴۱۱ ق). الرسائل الفقهیة. قم: دارالکتب الاسلامی.
۲۸. خادمی کوشا، محمد علی (۱۳۹۱ ش). مفهوم شناسی احکام امتنانی. مجله: فقه، سال نوزدهم - شماره ۴ ISC، ص ۱۰۷ - ۱۳۱.
۲۹. خادمی کوشا، محمد علی (۱۳۹۲ ش). نقش امتنانیت دلیل در محدود سازی حکم. مجله فقه، سال بیستم - شماره ۱ ISC، ص ۲۱ - ۴۴.
۳۰. خادمی کوشا، محمد علی (۱۳۹۷ ش). تطبیقات فقهی شرط موافقت با امتنان در اجرای برائت شرعی. فصلنامه فقه شماره ۹۶، دوره ۲۵، ص ۶ - ۲۷.

۳۱. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۳۹۷ش). تطبیقات فقهی آثار مخالفت با امتنان در اجرای برائت شرعی. فصلنامه فقه شماره ۹۵، دوره ۲۵، ص ۲۹ - ۴۹.
۳۲. خادمی کوشا، محمدعلی (۱۴۳۳ق). معانی القرآن: فی المعانی و البیان و البدیع. قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران.
۳۳. خراسانی، آخوند ملا محمدکاظم (۱۴۰۹ق). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۴. خوانساری، آقا حسین بن محمد (۱۳۱۱ق). مشارق الشومس فی شرح الدروس. قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۳۵. خوئی سید ابوالقاسم (۱۳۵۲ش). أجود التقریرات. تقریر درس محقق نائینی، قم: مطبعه العرفان.
۳۶. رشتی، نجفی، میرزا حبیب‌الله، (۱۴۰۷ق). فقه الإمامیة، قسم الخیارات. قم: کتابفروشی داوری.
۳۷. سبزواری ملا محمد باقر (بی‌تا). ذخیره المعاد فی شرح الارشاد. عربی ۳ مجلد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام.
۳۸. سیادت سبزواری، میرزا حسن (۱۴۱۹ق). وسیله الوصول الی حقائق الاصول. قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
۳۹. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۴ق). قاعدة لا ضرر و لا ضرار. قم: دفتر آیه الله سیستانی.
۴۰. سیوری حلّی، مقداد بن عبد الله سیوری (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۴۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۶ق). الاتقان. بیروت: دارالفکر.
۴۲. شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق). بحوث فی علم الاصول. تقریرات بحث محمد باقر صدر، قم: مؤسسه دائره المعارف للفقہ الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم‌السلام.
۴۳. الشریینی، محمد بن احمد (بی‌تا). مغنی المحتاج الی معرفة الفاظ المنهاج. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۴. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح (۱۳۷۵ق). هدایة الطالب الی أسرار المكاسب. تبریز: چاپخانه اطلاعات.
۴۵. صافی اصفهانی، حسین (۱۴۱۷ق). الهدایة فی الأصول. تقریرات درس محقق خوئی، چاپ اول، قم: مؤسسه صاحب الامر (عج).
۴۶. صدر، محمدباقر (۱۴۲۵ق). دروس فی علم الأصول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

٤٧. صيمرى، مفلح بن حسن (حسين) (١٤٢٠ ق). غاية المرام فى شرح شرائع الإسلام. بيروت: دار الهادى.
٤٨. طباطبايى مجاهد، محمد بن على (١٢٩٦ ق). مفاتيح الأصول. قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٤٩. طباطبائى، سيد على (١٤١٢). رياض المسائل (ط ج). قم: مؤسسه انتشارات اسلامى جامعه مدرسين.
٥٠. طباطبائى، محمدرضا (١٣٧١ ق). تنقيح الاصول (تقريرات درس آقا ضياء عراقى). نجف الاشرف: المطبعة الحيدريه.
٥١. طوسى شيخ ابوجعفر محمد بن الحسن (١٤٠٩ ق). التبيان. بيروت: دار احياء التراث العربى.
٥٢. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على. (١٤١٢ ق). الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - سلطان العلماء). قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم.
٥٣. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٣ ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
٥٤. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤٢٢ ق). حاشية المختصر النافع. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم.
٥٥. عاملى، شهيد ثانى، زين الدين بن على (١٤١٦ ق). تمهيد القواعد الأصولية و العربية. قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم.
٥٦. عاملى، كركى، محقق ثانى، على بن حسين (١٤١٤ ق). جامع المقاصد فى شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٥٧. عاملى، محمد بن على موسوى (١٤١١ ق). مدارك الأحكام فى شرح عبادات شرائع الإسلام. بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٥٨. عاملى، محمد بن على موسوى (١٤١١ ق). نهاية المرام فى شرح مختصر شرائع الإسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم.
٥٩. عاملى شيخ بهاء الدين، محمد بن حسين (١٤٢٤ ق). الحاشيه على كتاب من لايحضره الفقيه. قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى.
٦٠. عراقى، ضياء الدين (١٤٢٠ ق). مقالات الأصول. قم: مجمع الفكر الاسلامى.
٦١. علم الهدى، سيد مرتضى، على بن حسين موسوى (١٤١٧ ق). المسائل الناصريات. تهران: رابطة الثقافة و العلاقات الإسلامية.

۶۲. عمیدی، سید عمید الدین بن محمد اعرج حسینی (۱۴۱۶ ق). کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۳. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی (۱۴۱۶ ق). کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶۴. قمی، میرزا ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۳۰ ق). القوانين المحكمة فی الأصول (طبع جدید). قم: احیاء الكتب الاسلامیه.
۶۵. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۷ ق). غنائم الأيام فی مسائل الحلال و الحرام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶۶. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲ ق). أنوار الفقاهة. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۶۷. کاظمی، (فاضل جواد)، جواد بن سعد اسدی (۱۳۸۹ ق). مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام. قم: انتشارات مرتضوی.
۶۸. کاشف الغطاء نجفی، علی بن محمد رضا بن هادی (۱۳۸۱ ق). النور الساطع فی الفقه النافع. نجف اشرف: مطبعة الآداب.
۶۹. کاظمی خراسانی، محمد علی (۱۴۰۴). فوائد الاصول (تقریرات بحث محقق نائینی). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۷۰. مجلسی اول اصفهانی، محمد تقی (۱۴۰۶ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور.
۷۱. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی اصفهانی (۱۴۱۰ ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۷۲. مروج جزائری، سید محمد جعفر (۱۴۱۶ ق). هدی الطالب فی شرح المکاسب. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ق). القواعد الفقهیه. چاپ سوم، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ق). انوار الأصول. چاپ دوم، قم: مدرسه امام امیر المؤمنین.
۷۵. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۲ ق). تعلیقه علی معالم الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی (انتشارات جامعه مدرسین).
۷۶. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴ ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۷۷. نراقی ملا احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ق). عوائد الایام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۸. نسفی، عبدالله بن احمد بن محمود. (بی تا). تفسیر النسفی. ط قدیم. بی جا، بی نا.
۷۹. نووی، محیی الدین (بی تا). المجموع فی شرح المذهب. بیروت: دارالفکر.
۸۰. هاشمی شاهرودی (۱۴۱۷). بحوث فی علم الأصول (تقریرات درس شهید صدر). چاپ سوم، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۸۱. واعظ حسینی بهسودی، محمد سرور (۱۴۲۲ ق). مصباح الأصول (مباحث الفاظ). تقریرات درس محقق خویی، چاپ اول، قم: مکتبه الداوری.
۸۲. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۶ ق). حاشیة الوافی. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی.
۸۳. یزدی، مرتضی بن عبد الکریم حائری (۱۴۲۶ ق). شرح العروة الوثقی (للحائری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.